

دولت رفاه و پیشگیری از وقوع جرم

علیرضا سایبانی^۱، احمد ساجدی^۲

چکیده

تاریخ بشر نشان‌دهنده جرائم متعدد بوده است و دولت‌ها و حاکمان نیز از ابتدا در پی مجازات مرتکبین جرائم بوده‌اند و حتی رسالت اصلی خود را در جهت برقراری نظم، پیشگیری از وقوع این جرائم قرار داده‌اند. دولت رفاه به معنی وجود سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه‌ای در زمینه تأمین حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقای برابری در فرصت‌های زندگی است و در آن هیچ تردیدی در زمینه ضرورت تمرکز همه نهادهای رسمی بر تأمین خدمات همگانی وجود ندارد. در ادبیات موجود در زمینه دولت رفاه، تأکید بر دو اصل اساسی مورد ادعاست: تأمین خدمات رفاهی برای تضمین بقا در شرایط اقتصاد آزاد و وجود دولت دموکراتیک. در این مقاله دولت رفاه به عنوان یکی از انواع دولت‌های حاکم بر جوامع سیاسی که هدف اصلی آن تأمین رفاه و سعادت و همچنین گسترش خیر مشترک برای شهروندان جامعه می‌باشد را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سوالی که مورد مطرح است، این می‌باشد که دولت رفاه چه نقشی را در پیشگیری از وقوع جرائم ایفا می‌کند؟ در این مقاله روش تحقیق به صورت تحلیل مفهومی می‌باشد.

واژگان کلیدی: دولت رفاه، جرم، پیشگیری، کرامت انسانی.

^۱ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

^۲ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز (نویسنده مسئول)

مقدمه

شهروندان در قبال آن و بیان نقش دولت رفاه و اقدامات آن در جهت پیشگیری از وقوع جرم خواهیم بود.

دولت

لغت نامه دهخدا این معانی را برای واژه دولت بیان کرده است: ثروت، مال- اقبال، بخت، سعادت و بهره‌مندی، فتح و ظفر- اقتدار و توانایی (دهخدا، ۱۳۵۱: ۴۱۰).

از نظر عملی مشکل بتوان زندگی را بدون دولت در نظر گرفت و وجود دولت هم نشان دهنده‌ی مجموعه‌ای از نهادها است و هم نشان دهنده‌ی مدنیت یا civility می‌باشد. زندگی ما در چهارچوب دولت آغاز و پایان می‌یابد. بدین سان دولت علاوه بر اینکه مفهومی پیچیده است واقعیت روزمره‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت (وینسنت، ۱۳۹۴: ۱۷). هیچ‌الگوی متحدالشکلی برای اینکه سایر دولت‌ها از آن پیروی کنند و نظام سیاسی خود را بر مبنای آن استوار کنند وجود ندارد و حداکثر می‌توان گفت که شباهت‌هایی از نظر نظام و ساختار سیاسی میان آنها وجود دارد مثل سرزمین، نظام حقوقی، دستگاه قضا، توسل به اجبار و زور توسط دولت. برخی دولت شهرهای یونان را نخستین شکل دولت در اروپا دانسته‌اند تاریخ پیدایش دولت شهر به حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ سال قبل از میلاد باز می‌گردد دولت شهرها در نتیجه اتحاد و گردهمایی خانواده‌ها و قبایل در درون دژها پدید آمدند (همان، ۲۹). معنای دولت در اصطلاح ناظر بر یک تشکل سیاسی و حقوقی است که حیات اجتماعی یک ملت را سامان می‌دهد (صلیبا، ۱۳۸۵: ۳۵۲). می‌توان گفت دولت قدرت عمومی مستمر و مداوم است و عالی‌ترین مرجع

در جوامع بشری از دیرباز بحث امنیت بسیار مهم و حیاتی بوده است و از این رو دولت‌ها سعی بر ایجاد امنیت برای شهروندان و ساکنین می‌کنند مع الوصف افعالی که موجب نقض امنیت در جوامع می‌شود معمولاً به عنوان جرم تلقی می‌شود که باید دولت‌ها سیاست‌های خود را در جهت پیشگیری از وقوع این جرائم قرار دهند تا به نوعی وجود امنیت را تضمین کنند و هم از هزینه‌های بسیار زیاد رفع آثار مخرب جرائم خلاصی یابند. همچنین می‌بایست به این نکته توجه داشت که اعمال مجازات‌ها هرچند خیلی سنگین برای مجرمین موجب از بین رفتن این جرائم نمی‌شود بلکه باید به دنبال پیدا نمودن راهکارهایی در جهت پیشگیری از وقوع و انجام جرائم در خود جامعه باشیم. در دین مبین اسلام نیز شاهد این نوع سیاست پیشگیرانه در بحث وقوع جرائم هستیم که با عنایت به حذف زمینه‌های وقوع گناه و جرم سعی بر کاهش و پیشگیری از وقوع گناه و جرم داشته که به عنوان مثال نهاد امر به معروف و نهی از منکر را می‌بینیم. همانگونه که بیان شد دولت‌ها نیز سعی بر پیشگیری از وقوع جرائم دارند، با این حال دولت رفاه که یکی از اقسام دولت است با هدف تأمین و ایجاد رفاه در جامعه شکل می‌گیرد و در راستای گسترش رفاه در جامعه قدم برمی‌دارد، از اینرو یکی از وظایف اصلی این نوع دولت برقراری امنیت نیز به عنوان رفاه در جامعه می‌باشد که از این منظر پیشگیری از وقوع جرم را در دولت رفاه می‌توانیم از دستاوردهای مهم و ابزارهای حیاتی برای تأمین رفاه در این نوع دولت بدانیم. در این مقاله به دنبال تعریف دولت و دولت رفاه و همچنین بیان جرم و وظیفه دولت‌ها و



که دولت‌ها به دنبال دارند عناوین دولت‌ها نیز متغیر است مانند دولت ناظم، دولت رفاه، دولت توتالیتر و ... که در اینجا از بیان آن اجتناب می‌کنیم.

دولت رفاه

این اصطلاح از دو واژه دولت یا State به معنای کشورداری و رفاه یا Welfare به معنای آسایش و خیر و سعادت تشکیل شده است. برخی ظهور دولت رفاه را محصول بر سر کار آمدن دولت‌های کارگری یا احزاب سوسیال دموکرات در کشورهای صنعتی می‌دانند و عده‌ای مخالف و آن را رد کرده‌اند. یکی از بزرگترین مشکلاتی که دولت‌ها با آن مواجه هستند مشکلات اقتصادی می‌باشد و هدف قدیمی از بیان و طرح دولت رفاه تلاش دولت در جهت تغییر شرایط اقتصادی جامعه و همچنین حمایت از افراد در مقابل برخی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی که ممکن بود بتواند تأثیرات بسیار مخربی بر زندگی افراد جامعه بگذارد. این امر نشان دهنده دخالت دولت می‌باشد که برای نیل به رشد اقتصادی جامعه دست به دخالت می‌زند. به عبارتی دولت رفاه دولتی مداخله‌جو است. هرچند که این مداخله در پس الفاظی همچون بهینه‌سازی شرایط زندگی، توسعه اقتصادی اجتماعی نوع‌دوستی، پنهان می‌شود (ملک محمدی، ۱۳۷۷: ۲۰۳). دولت رفاه به معنی وجود سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه‌ای در زمینه تأمین دست‌کم حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقای برابری در فرصت‌های زندگی است و در آن هیچ تردیدی در زمینه‌ی ضرورت تمرکز کلیه نهادهای رسمی بر تأمین خدمات عمومی همگانی وجود ندارد. به عبارتی دیگر و به طور کلی دولت رفاه به دنبال

اقتدار می‌باشد و حفظ نظم داخلی و دفاع در مقابل بیگانگان مهمترین اهداف انحصار قدرت در دست دولت می‌باشد.

اما در یک تعریف کلی می‌توان بیان نمود که دولت به معنی اجتماعی از مردم است که در یک سرزمین مشخص زندگی می‌کنند و از حکومتی برخوردارند که به وضع و اجرای قانون اقدام می‌کند و تحت سلطه حاکمیتی قرار دارند که استقلال و آزادی آنان را تضمین می‌کند. مفهوم دولت در معانی دیگری نیز به کار برده می‌شود. بسیاری از نویسندگان مفاهیم «دولت» و «حکومت» را به یک معنا به کار می‌برند و در زبان عامیانه و رسانه‌ها دولت معمولاً به معنی قوه مجریه یا هیأت وزیران است که این کاربرد از واژه دولت تنها به بخشی از حکومت اشاره دارد. گاهی نیز دولت به بخشی از حکومت اشاره دارد که شامل نهادهای مذهبی و نهادهای مدنی نمی‌شود. مثلاً کاربرد واژه دولت در اصطلاح سازمان‌های غیردولتی به این مفهوم از دولت اشاره دارد.

در به وجود آمدن دولت سه عامل مهم دخالت دارد که عبارتند از: ۱- گروه انسانی یا جمعیت؛ ۲- سرزمین؛ ۳- قدرت سیاسی (قاضی، ۱۳۸۵: ۵۶). همچنین دولت دارای شخصیت حقوقی است چه از نظر داخلی و چه تعامل و ارتباط با سایر کشورها. دولت را می‌توانیم به عنوان طبقه حاکم در جامعه با قدرت سیاسی که در یک محدوده جغرافیایی و در بین حکومت‌شوندگان بدانیم. گاهی اوقات دولت را در معنای خاص آن که قوه مجریه است نیز به کار می‌برند که البته در این پژوهش هدف از کاربرد این واژه دولت به معنای عام آن است. مع الوصف با توجه به اهدافی

دولت رفاه مستقیماً به وسیله مقررات رفاهی گوناگون در رفاه فرد از جمله خدمات رفاهی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی شخصی، کمک‌های بیکاری، کمک به کودکان و... یارانه‌ها (مانند یارانه‌های مسکن و یارانه‌های اشتغال) و تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی مشارکت دارد (مصطفی منتقمی، ۱۳۸۹: ۴۸). به طور کلی دولت رفاه در جهت برآورده کردن نیازهای اولیه و ارکان دموکراسی در جامعه و همچنین گسترش بهداشت عمومی و تضمین اقتصاد سالم برای رشد اقتصادی همه افراد در جامعه تا زمان مرگ گام برمی‌دارد.

باتوجه به مطالب بیان‌شده می‌توانیم دولت رفاه را دولت تأمین‌کننده خیرعمومی نیز بدانیم که یکی از دستاوردهای آن تساوی بین افراد جامعه می‌باشد، با این حال انتقادات در مورد دولت رفاه نیز وجود دارد که به علت خارج بودن از بحث پژوهش از بیان آن امتناع می‌کنیم. لازم به ذکر است که از نتایج دولت رفاه پاسخگویی به نیازهای فقرا و ستمدیدگان، مقابله با فقر، حذف تبعیض و نابرابری، توجه به کیفیت زندگی برای رسیدن به جامعه مطلوب می‌باشد.

عوامل مؤثر در بروز جرم

۱- عوامل زیستی

تأثیر زیست‌شناختی وراثت و انتقال خصوصیات جسمانی، عقلانی و هوش والدین و اجداد انسان از دیرزمان موضوع مطالعه روانشناسان و علمای اخلاق بوده است. این موضوع تحت عنوان «وراثت عقلی و اخلاقی» مورد بررسی واقع شده است. در بین دانشمندان علوم زیستی و وراثت، لمبرزو یکی از پیشگامان این نظریه می‌باشد. این دانشمندان با

تأمین اجتماعی است و منظور از آن انواع و اقسام خدمات و کمک‌هایی است که در درون جامعه مدرن برحسب پیدایش برخی نیازهای اجتماعی و سیاسی جدید اهمیت پیدا کرده است و به دلیل پرهزینه بودن، بخش خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری در آن ندارد و به منظور کاهش مخاطرات زندگی و حمایت از افراد جامع صورت می‌پذیرد. بر دو اصل اساسی دولت رفاه تأکید شده است: ۱- تأمین خدمات رفاهی برای تضمین بقا در شرایط اقتصاد آزاد (سرمایه داری)؛ ۲- وجود دولت دموکراتیک. این دو اصل را می‌توان جزء اصول شالوده‌ای دولت رفاه تعریف کرد ... دولت رفاه در معنای خاص دلالت بر وضعیت ویژه‌ای دارد که در آن دولت‌های طرفدار اقتصاد آزاد، تأمین پایه‌ای‌ترین خدمات اجتماعی و ارائه سطوح معینی از خدمات رفاهی به توده‌های نیازمند را به منظور ایجاد تعادل و توازن اجتماعی و سیاسی به عهده می‌گیرند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۹: ۳۱۴). این دولت هدف اصلی خودش را ایجاد و تأمین رفاه و سعادت برای کلیه شهروندان و افراد جامعه می‌داند و فعالیت‌های دولت در جهت ایجاد و گسترش منافع و خیر برای شهروندان جامعه می‌باشد. دولت رفاه دارای این ویژگی‌ها می‌باشد:

- ۱- در دولت رفاه فرد موقعیت محوری دارد؛
- ۲- حداقل سطح زندگی و فرصت برای شهروندان بی‌توجه به نژاد، عقیده یا رنگ تضمین می‌کند؛
- ۳- رشته گسترده‌ای از خدمات اجتماعی را برای شهروندان فراهم می‌آورد؛
- ۴- توزیع مناسب درآمد را برای همه شهروندان تضمین می‌کند (کمریگی، ۱۳۸۸: ۲۱۹).



آزمایش‌های متعدد و مطالعات طولانی بر روی ۳۸۳ مجرمه جنایتکاران ایتالیایی و ۵۹۰۷ بزه‌کار زنده نتیجه‌گیری نمود که برخی اختلالات بیولوژیکی علت بزه این افراد می‌باشد. وی براساس این آزمایش‌ها فرضیه «جانی» را ارائه داد (شامبیانی، ۱۳۷۸: ۷۸).

۲- عوامل درونی

رفائل گاروفالو (۱۹۷۸) از معتقدان تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه می‌باشد. بررسی و شناخت عوامل روانی جرم مربوط به دانش روانشناسی جنایی است. از جمله رسالت‌های این دانش بررسی منش و شخصیت بزه‌کار و ارزیابی گرایش‌های ضداجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان به منظور تعیین مسئولیت اخلاقی و اجتماعی‌شان است. در مطالعه‌ای که جرم‌شناسان دانمارکی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ۷۵ درصد مجرمان ۱۸ تا ۲۵ سال دارای بیماری روانی بودند. آنان همچنین دریافتند که ۷۹ درصد مجرمان به بیماری‌ها و اختلالات روانی از قبیل نوروز، سایکوز و روان‌پریشی مبتلا هستند.

براساس دیدگاه روانکاوی فروید، خانواده و والدین کودک نقش بسیار بزرگی در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند؛ زیرا چنانچه سیر طبیعی رشد کودک تا پنج سالگی تکمیل نگردد و در طی یکی از مراحل، توقف حاصل شود، این امر سبب بروز اختلال‌ها و واکنش‌های ضداجتماعی در رفتار آدمی خواهد شد. برطبق دیدگاه روانشناسان، در تحلیل شخصیت بزه‌کار تمایلات و انگیزه‌های ناخودآگاه جایگاه مهمی دارند. از نظر این اندیشمندان مجازات افرادی که به علل اختلالات روانی مرتکب بزه می‌شوند نه تنها مثمرتر نیست، بلکه آنان را به سوی جرائمی تازه نیز سوق می‌دهد (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۴۵).

۳- عوامل اجتماعی

برخی از دانشمندان عوامل محیطی و اجتماعی را منشأ پدیده جرم تلقی نمودند. به نظر این دانشمندان، جرم پدیده‌ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تأثیر داشته باشد، بلکه عامل جامعه و محیط سبب بروز جنایت می‌گردد. دکتر لاکاسانی (۱۸۴۳-۱۹۲۴م) رئیس مکتب محیط اجتماعی، تنها عامل محیطی و فرهنگی را موجب جرم معرفی نموده است. به نظر این دانشمند، همانگونه که هر میکروب در شرایط و محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می‌یابد، پدیده جرم نیز در محیط و فرهنگ مربوط به خود زائیده می‌شود. از نظر دکتر لاکاسانی، منشأ پدیده جرم تنها عوامل زیستی-روانی است (همان، ۱۴۷). مارکی نیز پدیده جرم را ناشی از وضعیت نابهنجار اقتصادی می‌دانست. مکتب سوسیالیست او جامعه اشتراکی را به عنوان جامعه ایده‌آل معرفی می‌کرد که طبق نظر آنان جرم زائیده نظام سرمایه‌داری است. بنابراین نظر محققان جرم‌شناسی، در بروز پدیده جرم عوامل پیچیده زیستی-روانی-اجتماعی دخالت دارند.

عوامل جرم‌زای اجتماعی

۱- نابهنجاری خانوادگی

خانواده از جمله عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی کودک است. از دیدگاه کودک، والدین مهم‌ترین و ارزنده‌ترین الگوهای جهان هستند. کودک به موازات فراگیری زبان و نمود ارتباط با محیط و اعضای خانواده و جامعه، آداب و رسوم و خلیقات خانواده خود را کسب می‌کند و آنها را جزء شخصیت و منش خود می‌سازد. رفتار خشونت‌آمیز والدین در خانواده با کودک و

معاش در معنای عام کلمه از مهم‌ترین مسائل زندگی محسوب شده است (همان، ۱۵۰). فقر و محرومیت زائیده روابط ناسالم و نیز غیرعادلانه نظام اقتصادی حاکم بر جامعه است. مطالعه متون اسلامی نشانگر تأکید تأثیر فقر و محرومیت در نابهنجاری‌های روانی و انحرافات و تبه‌کاری- هاست. حضرت علی (ع) فقر را موت اکبر و دیوار کفر معرفی نموده است. بنابراین، فقر و محرومیت می‌تواند موجب نابسامانی‌ها و افزایش جرائم، بخصوص جرائم علیه اموال گردد. رسالت دین عبارت است از کنترل احساسات آدمی.

۳- تبعیض و نابرابری در اعمال قانون

از نظر جرم‌شناسان یکی دیگر از عوامل جرم‌زای اجتماعی، نابرابری در اعمال قانون است. اگرچه قانون اساسی همه افراد را در مقابل قانون متساوی‌الحقوق معرفی کرده است، اما جامعه در عمل شاهد و ناظر عملیات و جرائم سنگین برخی افراد ذی‌نفوذ است بدون آنکه مورد تعقیب قرار بگیرند. بعضی از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی با استفاده از موقعیت‌ها و نیرنگ‌ها، بسیاری از منابع را به خود اختصاص داده و مرتکب سوء استفاده مالی می‌گردند. اینان به نحوی از زیر بار قوانین مالیاتی شانه خالی می‌کنند و مرتکب تقلب در دفاتر مالیاتی می‌شوند. در جرم‌شناسی به این مجرمان «جنایتکاران یقه سفید» می‌گویند (شامبیانی، پیشین: ۴۷). مردم با ملاحظه اینگونه افراد و سکوت دستگاه قضایی در مورد آنان اعتقاد و اطمینان خود را نسبت به عدالت و قانون از دست می‌دهند. آنان تصور می‌کنند قانون پناهگاه افراد متنفذ و هرزه‌ای است که با ظاهری آراسته ارزش‌های اخلاقی و قانونی را زیر پا

نیز با همدیگر، این عقیده نادرست را در ذهن کودک بارور می‌سازد که در جامعه هم خشونت و جدال حلال مشکلات است (صلاحی، ۱۳۷۶: ۱۲).

به نظر جرم‌شناسان، خانواده از جمله محیط‌های اجتناب-ناپذیر و نخستین کودک است. خانواده از آنرو محیط حتمی تلقی شده که کودک در انتخاب آن نقشی ندارد. رفتارهای آتی کودک تا حد زیادی ناشی از برخوردهای ناسالم پدر و مادر نسبت به کودک در سال‌های اولیه زندگی است. از مهم‌ترین ارزش‌هایی که لازم است کودک در محیط خانواده فرا گیرد عشق و محبت است. والدین باید با رفتار عطف‌آمیز و انسانی خود کودکان را از عشق و محبت و ایثار و گذشت سرشار نموده و آنها را در گسترش و اشاعه این ارزش‌های والای انسانی در جامعه یاری دهند (توسلی، پیشین: ۱۴۸).

خانواده‌های بزه‌پرور دارای این ویژگی‌ها می‌باشند:

- ۱- رایج بودن بزه‌کاری و می‌گساری؛
- ۲- طلاق یا مرگ یکی از والدین (از هم‌پاشیدگی خانواده)؛
- ۳- عدم مراقبت کافی از فرزندان به دلیل جهل یا تعمد والدین؛
- ۴- نامطلوب بودن فضای خانواده (تبعیض، افراط و تفریط، خشونت و ...)
- ۵- تفاوت و گونه‌گونی زیاد خانواده از نظر نژادی و مذهبی؛
- ۶- مشکلات مالی، بیکاری و ...

۲- محرومیت اقتصادی و فقر

مطالعه اجمالی تاریخ نشان می‌دهد که آدمی در هر شرایط و موقعیتی به منظور بقای موجودیت خود، در تلاش برای کسب امکانات مادی بوده است. از اینرو، مسئله تأمین



می‌گذارند. در جامعه‌ای که این نوع بی‌اعتمادی در بین مردم شایع و رایج گردد و مردم قاضی درونی (وجدان) خود را نادیده انگارند، اعمال ضداجتماعی و جرائم اموری عادی قلمداد می‌گردند.

۴- تأثیر جنگ در افزایش جرایم

بحران جنگ از جمله عوامل اجتماعی جرم‌زایی است که جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان درباره تأثیر آن متفق‌القولند و برای توجیه آن دلایلی را ذکر نموده‌اند:

۱- وجود موقعیت‌های نامناسب اقتصادی-اجتماعی از قبیل جیره‌بندی مواد غذایی، تثبیت آمرانه قیمت‌ها و بازار سیاه برخی کالاها ضروری، جرائم را افزایش می‌دهند. لطمات و صدمات وارده، مقاومت افراد را در مقابل وسوسه‌های نفسانی کاهش داده، سبب بروز جرم می‌گردد.

۲- پراکندگی خانواده‌ها در اثر وقوع پدیده جنگ (توسلی، پیشین: ۱۵۷).

۳- هنگامی که کشور تحت محاصره دشمن قرار می‌گیرد تعدادی از نیروهای داخلی درصدد همکاری با نیروهای اشغالگر برمی‌آیند. این همکاری جزء جرائم محسوب می‌گردد. با این اوصاف، نمی‌توان گفت که پدیده جنگ خود به خود پدیده‌ای شر و منفور است، بلکه در بسیاری از اوقات جنگ سبب تقویت روحیه آزادی‌خواهی، گذشت و ایثار نیز می‌گردد.

وظیفه دولت‌ها در قبال جرم

امنیت سنگ‌زیرین حیات فردی و اجتماعی ملت‌ها و کشورها محسوب می‌شود و در دنیای معاصر، برای کمتر مهمی همانند آن، اهتمام ورزیده، هزینه‌های گزاف صرف

می‌نمایند. بشر امروز به خوبی واقف است که این اصل، اساس همه تحول‌ها، خلاقیت‌ها و پیشرفت‌های همه‌جانبه و متوازن جامعه است و به میزان آسیب‌پذیری آن، زندگی اجتماعی نیز از بیماری رخوت و جمود رنج خواهد برد. بنابراین، هرچه که مخل امنیت و آسایش عمومی تلقی شود، وصف مجرمانه پیدا می‌کند (مرکز تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۷۹: ۳). جرم در لغت به معنای گناه و کار ناشایست می‌باشد و مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. جرم و جنایت با خلقت انسان به وجود آمده و تاریخ بشر به طور کلی از ابتدا بیانگر جرائم بوده است و با به وجود آمدن جرائم، بشر به دنبال انتقام و مجازات نیز بود و در همین راستا مجازات‌ها در جهت انتقام و یا نظام‌مند ساختن جامعه به وجود آمدند. می‌توانیم بگوییم جرم فعل یا ترک فعل خواهد بود و مخل نظم اجتماعی که جامعه برای مقابله با آن به تدابیر کیفری متوسل می‌شود (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۱). باید به این نکته توجه داشته باشیم که جرم یک رفتار ضداجتماعی است و از ناحیه اکثریت افراد جامعه مطرود و مورد ملامت قرار می‌گیرد (ساک، ۱۳۹۲: ۱۱۱). و بزهکاری همواره به نظم عمومی صدمه وارد می‌کند و ایجاد نظم عمومی یکی از سیاست‌های اصلی و به عبارتی اهداف مهم و ابتدایی دولت‌ها می‌باشد. باتوجه به اینکه ارتکاب جرم نظم عمومی جامعه را از بین می‌برد و ریشه در شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی دارد جزء وظایف همگانی نهادهای جامعه است که پیشگیری نمایند و تنها در وظیفه قوه قضائیه نمی‌تواند باشد چرا که به دنبال نتایج مطلوب

موجب کاهش وقت و هزینه می‌شود و این امر دائمی و مستمر خواهد بود. چه شخص مجنی‌علیه و چه خانواده جانی یا مجرم در اثر ارتکاب جرم خساراتی را متحمل می‌شوند که شاید به لحاظ مالی جبران شود لیکن به لحاظ روحی و معنوی خیلی بعید است که به حالت ماقبل جرم برگشته و جبران گردد. اعمال مجازات در بسیاری از موارد هر چند که تنبیه مجرمان و عبرت دیگران را در پی دارد ولی خود، عامل وقوع و پیدایش جرائم دیگری است که گاهی جرائم ناشی از اعمال مجازات به مراتب از جرائم اولیه مجرم خطرناک‌تر و زیانبارتر است (tebyan-ardebil.ir).

به هر حال دولت‌ها از هر نوع که باشند به دنبال ایجاد یک نوع نظم و همسویی می‌باشند که مسلماً برای این منظور، مقابله و پیشگیری با جرائم یک امر ضروری است. پیشگیری از ارتکاب جرائم همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوقی بوده است و براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برعهده قوه قضائیه گذاشته شده است (ساریخانی و سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵: ۷۱۴). و قوه مجریه با وظایفی که برای ارتقای سطح زندگی و رفاه اجتماعی افراد جامعه برعهده دارد در راستای کاهش شرایط اجتماعی ارتکاب جرم گام بر می‌دارد.

نقش دولت رفاه در پیشگیری از وقوع جرم

چند عامل مهم که موجب بروز جرم می‌شوند عبارتند از: خانواده، محیط تحصیلی، گروه همسالان و دوستان، وسایل ارتباط جمعی. تمامی دولت‌ها به دنبال مبارزه با وقوع جرائم هستند. اما نقشی که دولت رفاه می‌تواند در خصوص پیشگیری از وقوع جرائم بازی کند بسیار قوی‌تر از نقش

می‌باشیم و پیشگیری اجتماعی در بسیاری از موارد امری غیرقضایی است. پیشگیری از وقوع جرم مستلزم شناخت خود جرم است، لذا باید اولین وظیفه انجام تجزیه و تحلیل نظام‌مند جرم در جامعه باشد. چرا که جرم نمایانگر الگوهای مشخصی است که می‌تواند راهنمای مهمی برای پیشگیری از وقوع جرم باشد (مرکز تحقیقات قوه قضائیه، پیشین: ۳۲).

مع‌الوصف یکی از وظیفه‌های اکثر دولت‌ها مقابله با جرائم است که دولت‌ها با توجه به این آرمان مجازات‌هایی برای جرائم در نظر می‌گیرند و یا با هدفی بهتر و مفیدتر به دنبال پیشگیری از وقوع جرائم است. بیشتر اهل تحقیق، دست‌کم در دنیای غرب، به این نتیجه رسیده‌اند که روش‌های سنتی مبارزه با جرائم، یعنی اعمال قوانین کیفری توسط دستگاه‌های ذیربط مثل نظام قضایی و پلیس و حتی اعمال روش‌های اصلاحی و تربیتی در مکان‌های بسته‌ای مثل زندان و موسسات زندان‌گونه یا وابسته به آن نتیجه چشمگیری در پیشگیری از وقوع جرم و یا کاهش آن و حتی تکرار جرائم نداشته است (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۷۳).

اقدامات تأمینی در حقیقت ادعای جانشینی مجازات را داشته و دارند و این ادعا را با تأکید بر ضرورت این اقدامات و توجه به نتایج آن که تا حد فراوانی مطلوب و مفید بوده تاکنون ثابت کرده‌اند.

پیشگیری بهتر از درمان است؛ زیرا ارتکاب جرم به طرق مختلف صورت گرفته و ابعاد آن دارای پیچیدگی و گستردگی می‌باشد که کشف آن در برگیرنده وقت و زمان زیاد و هزینه‌های گزافی خواهد شد و اگر قبل از وقوع بتوان از طرق مختلف و طراحی محیطی از آن پیشگیری نمود،



گردد که با این مسئله مهم مبارزه نماید. با بررسی رابطه فقر و جرم، متوجه می‌شویم که اکثر جرائم مالی ریشه در فقر دارد و این مسأله در سخنان بزرگان دینی هم کاملاً هویدا است. دولت رفاه با تأمین نیازهای افراد و ایجاد شرایط رفاهی برای عموم مردم، سعی در کاهش فقر و فاصله طبقاتی دارد.

قدیمی‌ترین نوع پیشگیری از وقوع جرم، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است: طبق این تفکیک در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار که شخصیت آنها در حال شکل‌گیری و قوام یافتن است، باید از تدابیر پرورشی و بازپروری استفاده نمود (چاله‌چاله، ۱۳۷۸: ۷۴).

دولت رفاه که وظیفه اصلی آن رفع نیازهای افراد و تأمین رفاه در جامعه در سطح فردی و عمومی است، با دیدی گسترده می‌بینیم که می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد؛ این نوع از دولت با برآورده ساختن نیازهای اولیه افراد و همچنین توجه به کرامت انسانی که همان ارزش انسانی افراد جامعه است در جهت رشد و تعالی افراد جامعه گام برمی‌دارد و از جهتی دیگر وقتی با نگاهی جرم‌شناختی به این قضیه نگاه می‌کنیم متوجه خواهیم شد که با تأمین رفاه از سوی دولت رفاه در جامعه بسیاری از جرائم به طور کاملاً ناخودآگاه از جامعه حذف می‌شود. برای مثال جرم سرقت کفش در اماکن عمومی را در نظر بگیرید، با وجود یک دولت رفاه آگاه به راحتی ممکن است این نوع جرم که کاملاً ریشه در عدم وجود رفاه اقتصادی در بین اقشار جامعه دارد عملاً از بین برود، صرف‌نظر از جرائم مالی که دولت رفاه برای ریشه‌کن کردن آن می‌بایست فعالیت‌های بسیار زیاد و هزینه‌های هنگفتی صرف نماید و چه بسا تنها

سایر دولت‌ها است. پیشگیری از وقوع جرم شامل همه اقداماتی است که نهایتاً منجر به کاهش بزهکاری در جامعه خواهد شد. پیشگیری غیرکیفری اولیه ناظر بر تغییر شرایط جرم‌زای محیطی و اجتماعی از طریق برنامه‌های درازمدت می‌باشد (نجفی اربندآبادی، ۱۳۷۹: ۸-۴).

پیشگیری ثانویه تنها به گروه‌های خاصی از افراد در معرض خطر اختصاص دارد. بروز جرم و جنایت پدیده‌ای است که بسیاری از عوامل اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و حقوقی را شامل می‌شود. این نکته را نباید فراموش کرد که بخش مهمی از پیشگیری اجتماعی به بهبود شرایط اقتصادی جامعه اختصاص دارد مانند بیکاری، فقر، توزیع نامناسب درآمد، تورم اقتصادی و امثالهم. از دیگر علل وقوع جرم با مواردی برخوردار می‌کنیم که عمدتاً ریشه در مسائل جامعه‌شناسی و عدالت اجتماعی دارد. اگر این موارد با راه و روشی صحیح بررسی شود و راهکارهای مناسبی برای آن ایجاد شود، می‌تواند بسیار در پیشگیری از وقوع جرم موثر و مفید باشد (rasekhoon.net).

پیشگیری جامعه‌مدار بر تأمین رفاه تأکید دارد بنابراین دولت موظف است که بستر را برای توسعه وضعیت اقتصادی جامعه و فقرزدایی، حل معضل بیکاری، تهیه مسکن، امکانات بهداشتی درمانی، بیکاری و بازنشستگی، خدمات آموزشی را برای تک‌تک افراد جامعه فراهم آورد. مطابق قانون اساسی تأمین مسکن شغل و بیمه و خدمات درمانی و آموزش و پرورش بر عهده قوه مجریه یا دولت می‌باشد و فقر و مشکلات اقتصادی یکی از مهمترین علل ارتکاب جرم در همه جوامع است و سیاست‌های مالی کشور که در اختیار قوه مجریه یا دولت باید به گونه‌ای تنظیم

بتواند مقداری از وقوع این جرم را بکاهد، برای مثال سرقت از بانک و یا کلاهبرداری. پس دولت رفاه نیز برای ریشه‌کن کردن جرائم و پیشگیری از وقوع جرائم با چالش‌ها و تنگناهایی روبه‌رو است که نشان دهنده پیچیدگی جرائم در جوامع بشری دارد. در دیدی دیگر اگر یکی از وظایف دولت رفاه را بخواهیم تأمین بهداشت عمومی بدانیم، می‌بینیم که با این ترفند دولت رفاه، بهداشت جسمانی و روانی افراد تحت مراقبت قرار می‌گیرد و موجب رشد بهداشت می‌شود، در نتیجه شاهد روابط دوستانه بهتر در جامعه و پیشگیری از وقوع جرائم همچون نزاع، ضرب و شتم و حتی جرائم جنسی تا حدودی خواهیم بود. بهتر است بگوییم یکی از اهداف دولت رفاه در جهت تأمین رفاه برای شهروندان پیشگیری از وقوع جرم است. به عبارتی عدم وجود جرائم خود به نوعی رفاه تلقی می‌شود.

نقش شهروندان در پیشگیری از وقوع جرم

برنامه‌های پیشگیری از جرائم باید در سه سطح انجام گیرد:

برنامه‌های پیشگیری از جرائم باید در سه سطح انجام گیرد؛ اول در سطح فردی، یعنی آنچه هر شخص حقیقی یا حقوقی باید با رعایت آنها موقعیت ارتکاب جرم از سوی مجرمین بالقوه را تقلیل دهد. دوم در سطح جمعی، مثلاً آنچه اهالی یک محله یا کسبه یک پاساژ ملزم به رعایت آن هستند. بالاخره در سطح ملی، یعنی آنچه بخش‌های دولتی مثلاً بخش‌های شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها، استانداری‌ها، وزارتخانه‌ها و ... باید در محدوده وظایف خود نسبت به آن اقدام کنند. برای مثال بانک‌ها می‌توانند در مواردی مثل

پیشگیری از صدور چک‌های بلامحل یا جعل چک یا اعتبارات اسنادی و نظایر آنها و وزارت بازرگانی در مواردی مثل تقلیل سرقت از محموله‌های تجاری و جرائم تجاری و سازمان‌های مرتبط با امور اجتماعی، هواپیمایی و کشتیرانی در مورد تقلیل جرائم ارتكابی علیه امنیت هواپیماها و کشتی‌ها و نظایر آنها، اقدامات مناسب و شایسته‌ای را در راستای پیشگیری از جرم انجام دهند. بدین ترتیب پیشگیری در واقع بخشی از وظایف همه نهادهای محلی و دولتی است و به ویژه شوراهای متشکل از شهروندان در سطح محله‌ها می‌تواند نقش بزرگی در نظم‌بخشی به موضوع پیشگیری از جرم در سطوح فردی و جمعی داشته باشند. برای رسیدن به هدف پیشگیری از جرم می‌توان از استراتژی‌هایی به این شرح استفاده کرد: آگاهی دادن به مردم نسبت به جرائم و شیوه‌های اتخاذی مجرمین، توصیه‌ها و آموزش‌های لازم برای گروه‌های خاص، پیش‌بینی طرح‌ها و پروژه‌های گروهی، تغییر محیط (مثلاً روشن‌تر کردن خیابان‌ها) تشویق و مساعدت به شرکت‌های خصوصی برای تولید و عرضه تجهیزات ایمنی با قیمت‌های مناسب‌تر، پیش‌بینی راه‌هایی برای افشای کارهایی که پنهانی بودن آنها زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌سازد؛ بدیهی است که اجرای درست برنامه‌های پیشگیرانه، نیازمند وجود افراد متخصص در امر پیشگیری می‌باشد. برای مثال باید در ادارات پلیس، که در حال حاضر، بیشتر به اموری چون دستگیری مجرمان و بازجویی از آنها می‌پردازند، افراد و مأمورانی باشند که آموزش‌های لازم در زمینه اقدامات پیشگیرانه دیده باشند. در ۸۵ درصد از شهرها متخصصان امر پیشگیری در میان مأموران پلیس

پیشگیری از وقوع جرم می‌توان با کاهش تعداد جرم به یکی از ابعاد مهم توسعه شهری دست یافت. در غیر این صورت، معضل جرم قطعاً طی سال‌های آینده بیشتر و بیشتر خواهد شد و نمی‌توان امیدوار بود که صرفاً با افزودن بر تعداد نیروهای انتظامی از تعداد جرائم کاسته شود.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالب بیان شده در این پژوهش، جرم یک پدیده‌ای است که در جوامع بشری در حال وقوع است و عوامل و شرایط خاصی (عوامل اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و ...) در بروز آنها موثرند. اگر سیاست‌های صحیح برای مقابله و پیشگیری از وقوع جرم مورد استفاده قرار نگیرد به امنیت جامعه که محور جوامع و زندگی بشری است لطمه وارد می‌کند. امروزه با وجود هزینه‌های بالای برخورد با مجرمان و مجازات آنها چه هزینه‌های زندان، اعم از امکانات نیروی انسانی مورد نیاز، مکان آن و ... و چه هزینه‌های تعقیب و مورد پیگرد قرار دادن مجرمان شاید چندین برابر هزینه‌ای باشد که برای پیشگیری از وقوع جرم می‌شود. آنچه که بیشتر جالب توجه است اینکه حتی بعد از برخورد با مجرمان و مجازات آنها با وجود هزینه‌های بسیار زیاد، غالب اوقات نه تنها نتیجه مطلوب بدست نمی‌آید بلکه به دلیل اجرای نادرست مجازات و فضای جرم‌زای زندان نتیجه این همه هزینه وارد کردن فرد متهم و یا مجرم در بین مجرمان سابقه‌دار و در نتیجه تعدد و تکرار جرم می‌گردد. در حالیکه اگر از همان اول از وقوع جرم پیشگیری می‌شد این نتایج منفی را در پی نداشت. از اینرو دولت‌ها می‌بایست سعی بر ایجاد سیاست‌های پیشگیرانه در رابطه با جرائم

وجود دارند که فعالیت شغلی آنها تنها به این مسأله مربوط می‌شود.

متخصصان امر پیشگیری در شهرداری‌ها و شوراهای منطقه‌ای در شهرها باید اقدامات فردی و جمعی مردم را در امر پیشگیری هدایت کرده و به ارائه رهنمودهای لازم اقدام کنند. این افراد متخصص می‌توانند جزوات راهنما و تابلوهایی را که برای امر پیشگیری از وقوع جرم تهیه شده‌اند در اختیار مردم قرار داده یا در اماکن عمومی نصب کنند و یا در بازدید از منازل یا مراکز تجاری رهنمودهای لازم برای امر پیشگیری از جمله در مورد اقدامات ایمنی لازم ارائه کنند و یا با تشکیل آنچه «نظارت همسایگان» شناخته شده است، اقدامات جمعی مردم را در کمک به نهادهای مربوط در کشف جرم یا رسیدگی به موارد مشکوک هماهنگ نمایند.

مورد اخیر، امروزه در کشورهای مختلف دنیا نقش مهمی در امر پیشگیری از وقوع جرم ایفا می‌کند. حتی اگر گذری به شبکه جهانی اینترنت داشته باشیم خبرنامه‌های برخی از این مجامع مشتمل بر شرح گوشه‌ای از فعالیت‌های آنها را می‌توانیم بیابیم. نکته قابل ذکر اینکه در برخی از کشورها نهادهای غیردولتی در ایجاد چنین مجامعی نقش داشته‌اند؛ برای مثال در جاهایی مثل ترینیداد و توباگو اتاق‌های بازرگانی محلی نقش مهم و اساسی را در این زمینه برعهده داشته‌اند و بدین ترتیب همه مردم را در مبارزه با جرم بسیج کرده‌اند. در شهرهای بزرگ مثل تهران هم شهرداری‌ها و شوراهای منطقه‌ای شهری می‌توانند متولی بسیج محله‌ها و نقطه‌های مختلف برای ایفای نقش در امر پیشگیری از وقوع جرم باشند. با اینگونه اقدامات و مردمی کردن امر

بیکاری، تنهایی، نداشتن تحرک و فعالیت و نداشتن سرگرمی از علل جرم می‌باشند.

۳- تأمین محل و مسکن مناسب: شهرهای بزرگ که دارای تحرک جمعیت می‌باشند از اطراف و اکناف مهاجران دارای آداب و رسوم و فرهنگ‌های گوناگون را به خود جلب می‌کنند. هر اندازه خاصیت یکپارچه کردن جمعیت دشوار باشد میزان جرم نیز بالاست.

۴- آموزش و پرورش مناسب: با توجه به تعداد شاگردان در یک کلاس، استفاده از افراد متخصص (به عنوان معلم، وسایل تفریح مناسب)؛

۵- تربیت مذهبی؛

۶- فراهم نمودن شغل و سرگرمی؛

۷- دستگاه‌های تبلیغاتی: انتشار مطالب سودمند، انتشار عکس؛

۸- مقررات تأمینی: بالا بردن سطح آگاهی مردم، گسترش خدمات بهداشتی، منع رفت و آمد به مراکز فساد، کنترل برنامه‌ها و افزایش وسایل تفریحی، وضع مقررات به منظور جلوگیری از ولگردی، تعیین ضوابطی برای جلوگیری از انحراف، سلب ولایت قهری از والدین غیر صالح، تحصیل تعلیمات برای رشد ذهنی کودکان و نوجوانان؛

۹- تهدید به مجازات: به طور بالقوه شامل همه بزهکاران می‌شود؛

۱۰- ایجاد موسسات راهنمایی و تربیتی: استفاده از روان‌پزشک، روانشناس، مشاور و مددکار اجتماعی برای مشاوره والدین و نوجوان.

نمایند و دولت رفاه در این راستا نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. دولت رفاه می‌تواند به عنوان یک دولت با دید باز با استفاده از سازکارهای تأمین رفاه در حوزه‌های مختلف زندگی افراد از جمله حوزه اخلاق، اقتصاد، فرهنگ، بهداشت و... تا حد بسیار زیادی از وقوع جرائم جلوگیری کند و بستر مناسبی برای رشد و تعالی افراد ایجاد کند که موجب بالا رفتن سطح فرهنگ و اقتصاد در جامعه و در نتیجه عدم حرکت افراد به سوی ارتکاب جرم خواهد شد.

پیشنهادات

در این مقاله سعی گردید تا به عوامل ایجادکننده جرم و نیز به عوامل پیشگیری کننده پرداخته شود. متغیرهایی که در این زمینه بیشترین سهم را داشتند عبارتند از:

۱- خانواده: ایجاد روابط صمیمانه در خانواده کمکی است به نوجوانان تا بتوانند مشکلات خود را صادقانه با والدین در میان بگذارند و مجبور نباشند به محیط خارج از خانه پناه ببرند. مشاهدات روزمره نشان داده‌اند که کودکان و نوجوانان بزهکار عادات ناپسند خود را از پدر و مادر منحرف خود فرا می‌گیرند و به عنوان تقلید دست به کارهای خلاف می‌زنند.

۲- تأمین نیازهای مادی و معنوی: اگر نوجوان در این مورد دچار کمبود باشد به سرکشی و ستیزه‌جویی پناه می‌برد. حق هر فرزند است که از تغذیه، پوشاک، مسکن و تفریحات مناسب برخوردار گردد. دولت و مسئولان جامعه حتی در موقع طلاق موظفند حداقل امکانات (یک زندگی معقول) را برای نوجوانان بخصوص افراد کم‌بضاعت فراهم آورند.



به طور کلی، برای پیشگیری باید تمامی گروه‌ها و اقشار جامعه همکاری نمایند؛ مدرسه، نهادهای مذهبی، نیروهای انتظامی و انجمن‌ها. حتی کسانی که فرزند بزهکار ندارند باید در این امر شرکت نمایند. برای پیشگیری باید به کل بافت جامعه توجه نمود و نظریاتی را در همان اجتماع تدوین نمود نه اینکه از طرح‌های از پیش ساخته شده سایر جوامع برای حل معضل اجتماع خود استفاده کنیم. خدمات پیشگیری شامل روان درمانی، آموزش‌های انفرادی و گروهی می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران: نشر میزان.
 - ۲- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران: انتشارات سمت.
 - ۳- چاله‌چاله، فرشید (۱۳۷۸)، «اصول و مبانی پیشگیری از جرم»، **فصلنامه دادرسی**، شماره ۶۷.
 - ۴- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۱)، **لغت‌نامه دهخدا**، جلد ۲۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - ۵- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۷۹)، «ظهور و افول دولت رفاه»، **فصلنامه تأمین اجتماعی**، شماره ۶.
 - ۶- صلیبا، جمیل (۱۳۸۵)، **فرهنگ فلسفی**، مترجم: منوچهر صانعی، چاپ سوم، تهران: نشر حکمت.
 - ۷- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، **بایسته‌های حقوق اساسی**، تهران: نشر میزان.
 - ۸- ساریخانی، عادل و سلطانی بهلولی، مریم (۱۳۹۵)، «نقش قوه مجریه در پیشگیری از وقوع جرم»، **مجله حقوقی و دادگستری**، شماره ۹۴.
 - ۹- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۲)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران:
- انتشارات جنگل و جاودانه.
- ۱۰- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۸)، **بزهکاری اطفال و نوجوانان**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- صفاری، علی (۱۳۸۰)، «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۳۳.
- ۱۲- صلاحی، جاوید (۱۳۷۶)، **بزهکاری اطفال**، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳- کمریگی، خلیل (۱۳۸۸)، «دولت رفاه: گذشته، امروز و آینده»، **فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۲۶۶.
- ۱۴- مرکز تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۷۹)، «درآمدی بر پیشگیری از وقوع جرم»، شماره ۲۰.
- ۱۵- مصطفی‌منتقمی، فروغ (۱۳۸۹)، «دولت رفاه»، **مجله بررسی‌های بازرگانی**، شماره ۴۱.
- ۱۶- ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۷۷)، «دولت قانونمند و دولت رفاه چالش‌های دو نظریه در عرصه سیاسی حقوقی اروپا»، **مجله دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۴۲.
- ۱۷- نجفی‌اریند آبادی، علی (۱۳۷۹)، «تقریرات درس جرم‌شناسی نظری دوره دکتری»، **دانشگاه تربیت مدرس**.
- ۱۸- وینست، آندرو (۱۳۹۴)، **نظریه‌های دولت**، مترجم: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

1- <http://rasekhoon.net>

2- <http://www.tebyan-ardebil.ir>